نشریه علمی مطالعات تفسیری
سال ۱۲، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۴۸
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۸۰ ـ ۶۱

Scientific Journal
Commentary Studies
Vol. 12, Winter 2022, No. 48
Scientific Research Article

تحلیل تفسیری الگوی قرآنی اقدام، در تحقق تمدن اسلامی با تأکید بر عبودیت خاصه در ۲۰ سوره نخست مکی به ترتیب نزول[۱]

سید محمدرضا علاءالدین*
محمدرضا ستوده‌نیا**

چکیده

آیات قرآن کریم، الگویی سه مرحله‌ای را برای تحقق توحید عبادی ارائه کرده است. این الگو بر مراحل سه‌گانه اقدام، اشاعه و اقامه مبتنی است. مرحله اقدام ناظر به تحقق عملی اوامر و نواهی الهی در رفتار انسان مؤمن است، در مرحله اشاعه به روش ترویج و گسترش اندیشه و رفتار توحیدی توجه شده است. مرحله اقامه نیز ناظر به نحوه تحقق نظام اجتماعی توحیدی است. تحقق این مراحل، که با یکدیگر رابطه طولی دارند، با هدایت و مدیریت مربی الهی؛ رسول اکرمﷺ انجام می‌پذیرد. هدف این پژوهش، استخراج و تبیین الگوی عملی تحقق عبودیت در عرصه‌های فردی، اجتماعی و تمدنی است. روش پژوهش نیز بر مطالعه تفسیری آیات ۲۰ سوره اول مکی به ترتیب نزول مبتنی است. دستاورد پژوهش نیز بازیابی راهکارهای قرآنی تحقق عبودیت در عرصه‌های فردی، اجتماعی و تمدنی است.

واژگان کلیدی

تفسیر تنزیلی، سور مکی، توحید عبادی، الگوی تحقق توحید عبادی.

---

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانش‌آموخته محترم است.

*. دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان. kosar1380@chmail.ir
**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل البیتﷺ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).
m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۰

طرح مسئله

هدف قرآن ایجاد تمدن الهی است و لازمه شکل‌گیری و اقامه تمدن الهی، تحقق عملی عبودیت خاصه است. لازمه تحقق عملی عبودیت خاصه، حصول معرفت دینی و باورهای صحیح، اقدام به مقتضای باورها و اشاعه معارف اعتقادی و اقامه شاخصه‌های عبودیت و بندگی در دو حوزه فردی و اجتماعی است. برای هریک از مراحل الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت خاصه در سیر نزول شواهدی وجود دارد که کارکردها و کاربست‌های عملی الگو را روشن می‌سازد. محدوده این تحقیق، تحلیل تفسیری مرحله اقدام در بیست سوره اول مکی به ترتیب نزول است. در مرحله اقدام مؤمن موحد، با انجام اوامر و نواهی الهی به خودسازی و دیگرسازی می‌پردازد و در مرحله اشاعه با گسترش و توسعه رفتارهای عبادی و جلوگیری از منکرات نگرشی و رفتاری به جامعه‌سازی می‌پردازد و در مرحله «اقامه» با تغییر فرهنگ جامعه مشرک جاهلی به نظام مؤمنانه توحیدی به تمدن‌سازی ورود پیدا می‌کند. بدیهی است برنامه‌ها و فعالیت‌های مؤمن موحد در تمام مراحل اقدام، اشاعه و اقامه، تأثیرهای غیرقابل‌انکاری بر پیشبرد تربیت اعتقادی (فرد، خانواده و جامعه) دارد تاکنون کتب و مقاله‌های فراوانی در رابطه با «عبودیت و بندگی خدا» به نگارش درآمده است ولی هیچ‌کدام به بررسی تحلیلی الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت برپایه شرایط نزول و مقارنه تنزیلی آیات در سیر نزول و کارکردها و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی نپرداخته‌اند. حال آنکه مطالعه آیات در مراحل اقدام، اشاعه و اقامه به صورت تنزیلی می‌تواند نکات تازه‌ای را آشکار کند و مراحل نهادینه‌سازی این الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت را مشخص سازد. شناخت مراحل تطور این گزاره‌ها و چگونگی عرضه آیات مربوطه در قالب تفسیر موضوعی برحسب سیر نزول قابل مطالعه و بررسی است. بی تردید، الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت در سیر نزول در سه حوزه فردسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی بروز و ظهور دارد.

اهمیت تحقیق

در تفسیر و تحلیل قرآنی «الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت خاصه» در مرحله «اقدام» در روش تفسیر تنزیلی ـ موضوعی منجر به یافته‌های جدیدی در فهم این الگو و مراحل طولی آن می‌شود، با استفاده ازاین‌روش از یک‌سو لحظه به لحظه سیره نبوی ﷺ به‌عنوان مربی در ابلاغ و اعلام مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» با هدف ایجاد تغییر و تحول اعتقادی یا رشد و پیشرفت ایمانی رصد می‌شود و مراحل به‌هم پیوسته زنجیروار نزول را به شکلی روشن و دقیق به گونه‌ای که مخاطب، در فضای

نزول قرآن و شرائط و مناسبات و غایات آن قرار گیرد و حکمت نزول تدریجی و مدل نهادینه شدن مفهوم مراحل عبودیت و بندگی خدا نمایان شود و از سویی دیگر کیفیت شکل‌گیری و تحقق عبودیت و بندگی خدا و کارکردها و کاربست‌های آن و مراحل نهادینه شدن آن در تربیت اعتقادی ترسیم می‌شود. وجه نوآوری پژوهش حاضر این است که به استخراج الگویی قرآنی در تحقق عملی عبودیت خاصه در مرحله «اقدام» پرداخته و کاربست‌های آن را در دو حوزه «فردسازی، دیگرسازی، (خانواده) و جامعه‌سازی» برپایه تفسیر موضوعی ـ تنزیلی ارائه کرده است.

مفهوم‌شناسی

در این بخش مفاهیم «اقدام»، «اشاعه»، «اقامه»، «عبودیت» و «ترتیب نزول» مورد بررسی قرارگرفته است.

الف) اقدام

اقدام به معنای «جهد، کوشش و تلاش همراه با شجاعت و ثبات و پایداری در ایجاد، انجام و اجراء به موقع برنامه‌ها و فعالیت‌ها» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۴۶۷) مرحله اقدام نخستین مرحله از الگوی قرآن در تحقق عملی «عبودیت» است. قرآن در سیر نزول، متربیان خود را دعوت به اقدام کرده است. البته این اقدام برپایه ایمان به باورهای اعتقادی انجام می‌گیرد و مومن تحت تربیت رسول‌الله ﷺ مبادرت به اقدام می‌کند و فعالیت‌های خود را در دو حوزه خودسازی و دیگرسازی به ظهور می‌رساند.

ب) اشاعه

اشاعه به معنای «آشکار کردن، تبیین، تبلیغ، ترویج، انتشار و گسترش» است (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۳۴) اشاعه دومین مرحله از مراحل الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت است، قرآن در سیر نزول، متربیان خود را در تبعیت از رسول‌الله ﷺ دعوت می‌کند تا به تبلیغ، ترویج، انتشار و گسترش نگرش و رفتار توحید عبادی بپردازند «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَي اللّهِ عَلَي بَصِيرَهَ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ (یوسف / ۱۰۸) بگو این است راه من که من و هرکس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم و منزه است خدا و من از مشرکان نیستم». مومن در مرحله «اشاعه» با گسترش و توسعه رفتارهای عبادی و جلوگیری از منکرات نگرشی و رفتاری به جامعه‌سازی می‌پردازد.

ج) اقامه

اقامه به معنای «بجا آوردن، برپا داشتن و قیام کردن و دوام ورزیدن» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۲۲۷؛

صفی‌پور، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۲۴) قرآن در مرحله سوم الگوی تحقق عملی عبودیت، متربیان را دعوت به اقامه و قیام برای تغییر فرهنگ جامعه مشرک جاهلی به نظام مومنانه توحیدی و ورود به تمدن توحیدی می‌کند: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا؛ (سبأ / ۴۶) ای رسول ابلاغ کن که شما را تنها به یک امر مهم موعظه می‌کنم و آن این است که، دو نفر دو نفر و یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید». این آیه با اعجاز «موعظه» دعوت به «قیام برای خدا» می‌کند تا مومن برای اصلاح وضع موجود به وضع مطلوب قیام کرده و به اقامه ولایت قرآن و رسول‌الله ﷺ در جوامع توحیدی بپردازد و کانون توجه انسان‌ها را در تمام مراحل زندگی و در ظاهر و باطن آن به عبودیت خدا که کمال مطلق است معطوف دارد. مومن در این مرحله در صدد انجام فعالیت‌هایی است تا فرهنگ جامعه را از شرک‌زدگی به توحیدگرایی سوق دهد و نظام ارزشی جامعه و رفتارهای اعتقادی و معنوی را بر محور فرهنگ توحید عبادی به حرکت در آورد.

د) عبودیت

واژه «عبودیت» مصدری از ریشه «عبد» است که اهل لغت آن را مملوک و غیر آزاد و خلاف حر و آزاد معنا کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۷۰) طبرسی «عبد» را انسانی می‌داند که غلام و برده دیگری است و برای مولای خود خاضع و ذلیل است و از این جهت به او عبد می‌گویند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۹۲) باتوجه به ریشه لغوی عبودیت، راغب اصفهانی، عبودیت را اظهار خضوع، تواضع و تذلل معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۲) واژه‌شناسان عبودیت و عبادت را مترادف و در معنای اطاعت و خضوع مشترک دانسته‌اند. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵ / ۸۲)

عبادت از مهم‌ترین جلوه‌های عبودیت خدا است علامه طباطبایی عبادت را نوعی تجسم دادن و ترسیم کردن عبودیت و مملوکیت و اظهار حاجت به خدا دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۱۶۹) کلمه عبادت دو گونه کاربرد دارد. گاهی مراد از آن، همان کرنش و پرستش در پیشگاه خداست و گاهی مراد از عبادت، اطاعت و بندگی است که از جامعیت بیشتری برخوردار است، قهرا باید از روی قرائن به‌دست آورد که مراد از عبادت معنای پرستش یا معنای اطاعت است. از نظر قرآن، عبودیت به دو نوع عبودیت الهی و عبودیت شیطانی، تقسیم می‌شود. قرآن هدف از بعثت انبیاء را دعوت به عبودیت و پرستش خداوند و اجتناب از عبودیت غیر خدا و طاغوت برشمرده است: «وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِي كلِّ أُمَّه رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ». (نحل / ۳۶) ملاصدرا تقسیم دیگری را از عبودیت ارائه کرده است و آن تقسیم عبودیت به عبودیت عامه؛ یعنی سجده و تسبیح و خضوع همه عالم نسبت به خدا است که آیات «نمل / ۱۸، اسراء / ۴۴، هود / ۴۴، انعام / ۳۸، فصلت / ۱۱ و ۲۱،

نحل / ۴۹، انبیاء / ۷۹» بر این معنا دلالت دارند «وَ لِلّهِ یسْجُدُ ما فِي السّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ دابّه وَ الْمَلائِکه وَ هُمْ لا یسْتَکبِرُونَ» (نحل / ۴۹) «وَ سَخّرْنا مَعَ داوُودَ الْجِبالَ یسَبِّحْنَ وَ الطّیرَ وَ کنّا فاعِلِینَ» (انبیاء / ۷۹) «وَسَجَدَتْ لَهُ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ الْأَشْجَارُ النَّاضِرَةُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۳) و عبودت خاصه که بندگی و عبادت مومنانه در صراط مستقیم به سوی توحید است (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴ / ۴۹۵) علامه طباطبایی نیز بر این نظر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۷۹)

مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» در تحقق عملی عبودیت خاصه در سیر نزول

انسان افزون بر رفتار ظاهری در قوای باطنی، حوزه اختیار و مسئولیت رسیدن به مقام اخلاص و مقام توحید را دارد. حوزه اراده و مسئولیت انسان وسیع‌تر از حوزه زندگی فردی است و شامل زندگی مشترک اجتماعی انسان و نیز زندگی جامعه مومنان به صورت مشترک می‌شود و مومن موحد علاوه بر خودسازی، دیگرسازی و خانواده‌سازی بایستی به شکل‌دهی جامعه توحیدی و تمدن توحیدی نیز بپردازد. قرآن این مسئولیت را بر عهده مومن گذاشته است. الگوی قرآن در شکل‌گیری عملی عبودیت و بندگی شامل مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» می‌باشد. مراحل اقدام، اشاعه و اقامه می‌توانند در طول هم باشند؛ در مرحله «اقدام» مومن موحد است، کلیه اوامر و نواهی مولا را در مقام عبودیت انجام می‌دهد، نماز می‌خواند، زکات می‌دهد، خیررسانی می‌کند؛ در مرحله «اشاعه» مومن برای گسترش یک عبادت یا جلوگیری از یک منکر به فعالیت‌هایی که خدا امر فرموده، می‌پردازد، به بازگویی آیات نورانی قرآن می‌پردازد، تبلیغ می‌کند، مسجد می‌سازد و در مرحله «اقامه» مطابق با توحید در عبودیت به تغییر فرهنگ جامعه مشرک جاهلی به نظام مومنانه توحیدی می‌پردازد. رسول‌الله ﷺ که همه عبودیت‌ها بر محور ایشان می‌چرخد، عبدالله حقیقی است و او در تمام مراحل اقدام، اشاعه و اقامه راهنما، الگو و نقش آفرین است؛ و طواغیت که همه منکرات بر مدار آنها می‌چرخد و افکار الحادی و مشرکانه و رفتار جاهلانه و دنیاپرستانه را ترویج می‌دهند، عبدالشیطان هستند. آیات قرآن در سیر نزول، درگیری مبلغان و مروجان عبودیت الهی را با طواغیت ترسیم کرده است «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي کلِّ أُمَّه رَّسُولاً أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ». (نحل / ۳۶)

رویکرد نگرشی تربیت اعتقادی در مرحله «اقدام» با تاکید بر عبودیت خاصه

شناخت منشأ عبودیت، اهمیت عبودیت، نسبت توحید افعالی با عبودیت، عوامل موثر در پیشبرد عبودیت و نقش انبیاء در تحقق عبودیت خاصه از زمره مسائل نگرشی قرآن در تربیت اعتقادی است که طرح آنها موجب حصول معرفت دینی و باورهای صحیح، برای «اقدام» به مقتضای باورهاست.

منشأ عبودیت: از عنوان‌های مهمی که خداوند برای بندگان خود قرار داده و معرفی کرده است عنوان «عبودیت» است: «إِن كلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم / ۹۳) همه موجودات و اشرف آنها «انسان» بنده پروردگار می‌باشند. قرآن عبادت و پرستش را جزیی از وجود و کشش فطرت خداخواه انسان می‌داند. مومن وقتی خود را در برابر عظمت و جلال جمال الهی می‌بیند، در مرحله «اقدام» به خضوع و خشوع و فروتنی رو می‌آورد، آن‌سان که انبیاء و اولیاء الهی در سیره الگویی خود آن را نشان داده‌اند. منشأ عبودیت الهی در انسان، همان بندگی تکوینی و فطری و ظهور و پیاده شدن آن در فکر و قلب و عمل افراد بشر به‌عنوان موجود مختار است، که در سطحی کمال یافته و بسیار عالی‌تر در او محقق می‌شود. وقتی انسان «اقدام» به عبادت می‌کند برای او، سودآور و بهره‌دهنده است و این منفعت حاصل از آن نفس نیایشگر است و هیچ نفعی از آن عاید خداوند معبود نمی‌شود.

اهمیت عبودیت: عبودیت و بندگی خداوند از رفتارهای مهمی است که قرآن به ترتیب نزول به آن پرداخته است و آن را از خصائص مهم انبیاء و اولیاء (ص / ۳۰ و ۴۴) و دلیل بر صراط مستقیم الهی (یس / ۶۱) و هدف خلقت (ذاریات / ۵۶) می‌داند که موجب نزدیکی و تقرب مومن به ذات پاک ربوبی می‌شود. قرآن، پیام مشترک تمام انبیاء را در مرحله «اقدام» دعوت به توحید عبودیت و بندگی خدا دانسته است و مهم‌ترین درگیری پیامبران با طواغیت را در همین زمینه می‌داند (اعراف / ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵) عنوانی کارسازتر از مقام عبودیت و بندگی خدا برای انسان وجود ندارد، به گونه‌ای که حتی وصول به مقام رسالت و ولایت نیز متوقف بر دستیابی به بالاترین درجه از درجات آن است. رفتار عبودیت، بندگی و اطاعت از خداوند به اندازه‌ای با اهمیت است که خداوند آن را هدف خلقت جن و انس اعلام کرده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، (ذاریات / ۵۶) هم‌آوایی تمامی انبیاء الهی در دعوت مردم زمان خود به عبودیت خدا نشان اهمیت این رفتار اعتقادی است. قرآن به صورت مکرر از قول رسولان الهی به این موضوع اشاره دارد که بندگی و اطاعت خدا را صراط مستقیم الهی دانسته‌اند: «وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم / ۳۶)، «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلي قَوْمِهِ إِنِّي لَكمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ * أَنْ لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ نِّي أَخافُ عَلَيْكمْ عَذابَ يَوْمٍ أَلِيم». (هود / ۲۵ و ۲۶)

عبودیت کامل: آن عبودیتی است که مومن، مطیع بی قید و شرط و فرمانبردار در تمام زمینه‌ها است و جز به معبود واقعی نمی‌اندیشد و جز در راه او «اقدام» به عبادت نمی‌کند.

نسبت توحید افعالی با عبودیت: با تفسیر و تحلیل قرآن به ترتیب نزول، فهم روشنی از طرح نقش‌های پروردگار در حیات بشر در تمام سور پدیدار می‌شود. این طرح گسترده توحید افعالی در

قرآن برای به بار نشستن «توحید عبادی» است. توحید عبادی محور مباحث تربیت اعتقادی است. قرآن با توحید افعالی و ذکر نقش‌های پروردگار بر انسان و هستی پیگیر تحقق توحید عبادی است. بی‌تردید کمال حیات طیبه انسان در تفسیر و تحلیل قرآنی، توحید عبادی است در سیر تربیت اعتقادی، افزایش معرفت به توحید افعالی سبب «اقدام» به تحقق عملی عبودیت می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است «**العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة**» عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته است. (گیلانی، ۱۳۷۷: ۷)

نسبت عبودیت با یقین: خدای متعال به رسول‌الله صلی الله علیه و آله توصیه می‌کند که در تمام عمر دست از عبادت پروردگار بر ندارد و همواره به عبودیت و بندگی او «اقدام» کند تا یقین فرا رسد «**وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ**» (حجر / ۹۹) حقیقت این عبودیت و بندگی، به هنگام مرگ و کنار رفتن پرده‌ها در برابر چشم آشکار می‌شود و حالت یقین پیدا می‌شود. در سوره مدثر از قول اهل دوزخ آمده است: «**وکنَّا نُکذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ حَتَّی أَتَانَا الْیَقِینُ**؛ (مدثر / ۴۶ و ۴۷) ما همواره روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم تا اینکه یقین (مرگ ما) فرا رسید».

عوامل موثر در پیشبرد عبودیت: قرآن برای دعوت مردم به توحید عبادی و اطاعت خالصانه خدا، برهان‌هایی را اقامه کرده و نقش‌هایی موثر از معبود بر زندگی را ترسیم کرده که به طور عمده بر محور توحید افعالی دور می‌زنند و توحید افعالی نقش پشتیبان و توضیح‌دهنده علت بندگی موحدانه به حساب می‌آید و آیات بسیاری این معنا را مورد تاکید قرار می‌دهند که پذیرش شایستگی عبادت خدای یکتا به معنای پذیرش اطاعت مطلق از خداوند است که در اشکال مختلف ازجمله اطاعت از آموزه‌های عقلانی و وحیانی و ولایت‌پذیری از پیامبران و اولیای الهی خود را نشان می‌دهد. افزون بر باورهای توحیدی و معاد توجه به عظمت خداوند، احساس فقر و وابستگی، توجه به نعمت‌های خدادادی و فطرت خداخواه که با عقل نظری شکوفا شده است، باورهای موثر نگرشی در شکل‌گیری و پیشبرد رفتار عبودیت و بندگی می‌باشد.

نسبت خودسازی با عبودیت: مومن وقتی خود را در برابر عظمت و جلال جمال الهی می‌بیند، «اقدام» به خضوع و خشوع و فروتنی می‌کند، آن‌سان که انبیاء و اولیاء الهی در سیره الگویی خود آن را نشان داده و پایه تعلیم و تربیت آنها بر عبودیت و بندگی خدا بوده است، عبد مومن با خودسازی در مکتب تربیتی رسول‌الله صلی الله علیه و آله «اقدام» به شبیه‌سازی خود با صفات معبود می‌کند تا پرتوی از صفات جمال و جلال او را در خود انعکاس دهد، و مومن در سایه عبودیت به جایی می‌رسد که به اذن خدای متعال می‌تواند در جهان تکوین دخل و تصرف کند، و صاحب ولایت تکوینیه شود. همان‌گونه

که آهن سرد و سیاه بر اثر مجاورت با آتش، سرخ و گرم و فروزان می‌شود؛ حرارت و نورانیت آهن از درون ذات او نبوده بلکه پرتو ناچیزی از آتش را در خود منعکس کرده است.

انگیزه‌های عبودیت و بندگی: از انگیزه‌های عبودیت و بندگی می‌توان به حس شکرگزاری در مقابل منعم حقیقی، اشاره کرد. مومن با شناخت منعم حقیقی، اقدام به شکرگزاری و سپاس می‌کند. طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید در برابرش خضوع می‌کند ولی اگر توهم بی‌نیازی یافت طغیان می‌کند: «إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَي أَن رَّآهُ اسْتَغْنَي» (علق / ۷ و ۸) یادآوری نعمت‌ها روش تربیتی بسیار مؤثری است که قرآن، انبیاء و اولیاء آن را به طور گسترده مورد استفاده قرار داده‌اند تا محبت انسان‌ها را به خدا تقویت کنند: «اذْكُرُواْ نِعْمَه اللّهِ عَلَيْكمْ إِذْ أَنجَاكم» (ابراهیم / ۶) و انسان قادر نیست نعمت‌های بی‌شمار الهی را شمارش کند: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم / ۳۴) و خداوند بعد از یادآوری نعمت‌ها راه پاسداشت از منعم حقیقی را «اقدام» به عبادت و سپاس‌گزاری می‌داند. «فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (عنکبوت / ۱۷) احساس فقر و وابستگی و عجز و نیاز، انسان را به پرستش خداوند ـ که در نهایت کمال و صمدانیت است ـ سوق می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَي اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر / ۱۵) از امام حسین علیه‌السلام روایت شده است: «لَوْلا ثَلاثَه ما وَضَعَ ابن‌آدَمَ رَأْسَهُ لِشَيءٍ: اَلْفَقْرُ وَ الْمَرَضُ وَالْمَوْتُ» اگر سه چیز نبود، انسان در مقابل خداوند سر فرود نمی‌آورد، تنگدستی، بیماری و مرگ». (حلّی، ۱۳۸۷: ۸۰)

نقش انبیاء در تحقق عبودیت خاصه: پایه تعلیم و تربیت انبیاء و اولیاء الهی بر عبودیت و بندگی خدا بوده است. انبیاء با معرفی نقش‌های پروردگار، انسان‌ها را به سوی بندگی خدا دعوت و با زبان برهان و حکمت‌های استوار و قانع‌کننده عقل و موعظه و جدال نیکو به نفی اطاعت و بندگی غیرخدا پرداخته‌اند: «ادْعُ إِلِي سَبِيلِ رَبِّک بِالْحِكمَه وَالْمَوْعِظَه الْحَسَنَه وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل / ۱۲۵) خداوند به انبیاء ماموریت داده است تا به بیداری، آگاهی و هدایت انسان بپردازند و او را به پرستش خداوند راهنمایی کنند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كلِّ أُمَّه رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) در میان هر امتی رسولانی را برانگیختیم تا به عبودیت و بندگی خدا دعوت کنند و از عبادت شیطان و طاغوت بر حذر دارند».

موانع عبودیت و بندگی خداوند: خاصّیت نفسِ آفت‌زده طاغیان که کلمه حق و دعوت به آن، بر طغیان و غرورشان می‌افزود (علق / ۶؛ صافات / ۳۵) و مال و منال و مقام گاهی به ادّعای الوهیتشان می‌کشاند (زخرف / ۳۸ ـ ۳۲) جنون پادشاهی هم آنها را بر آن می‌داشت تا معبودهایی برای خود

برگزینند (اعراف / ۳، ۳۰، ۳۶، ۴۰ و ۵۱) و در لحظاتی خویشتن را یگانه معبود دیگران بدانند (شعراء / ۲۹؛ قصص / ۳۸) و زمانی خود را معبود والای والا بنامند: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَي» (نازعات / ۲۴) قرآن هر نوع اطاعتی را عبادت می‌شمرد، لذا توحید عملی، درحوزه فردی به یگانه شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفی هرگونه پرستش قلبی از قبیل: «هواپرستی، جاه‌طلبی، پول‌پرستی و غیره» و در حوزه اجتماعی، به یگانه شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی خدا از طریق «نفی طاغوت‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها» می‌انجامد: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كلِّ أُمَّه رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) قرآن، هرگونه اطاعت از غیرخدا را بر خلاف توحید بندگی می‌داند: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه / ۲۳) طبرسی به نقل از ابن‌عباس، حسن و قتاده می‌نویسد: «هر آنچه دلش هوس کرده مرتکب می‌شود و میلش را دین خود قرار می‌دهد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۷۸) اطاعت از فرامین و وسوسه‌های شیطان هم پرستش و بندگی اوست: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكمْ يَا بني‌آدم أَن لا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس / ۶۰) طبرسی توضیح می‌دهد که مراد از بندگی شیطان، اطاعت از اوست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷ / ۱۰۶) فیض کاشانی و علامه طباطبایی نیز بر این نظر هستند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۱۰۶)

علل انحراف از مسیر عبودیت: انبیاء به مبارزه و جهاد با طواغیت و صاحبان قدرت که به انحراف مردم از عبودیت الهی می‌پرداختند، «اقدام» می‌کردند. مخالفان پیامبران سعی داشتند تا مهار بندگی و پرستش و اطاعت مردم را به‌دست گیرند و توجه مردم را به اطاعت خود جلب کنند. طواغیت و صاحبان قدرت با استفاده از جهل، گمراهی و غفلت انسان‌ها، آنها را به پرستش سنگ، چوب، خورشید، ماه و نفسانیت خود مشغول می‌داشتند. خدای متعال در سوره یس، علل انحراف از مسیر عبودیت الهی را گرفتاری انسان در دشمنی و مکر شیطان دانسته و از انسان تعهد می‌گیرد که به عبادت شیطان نپردازد و همواره به عبادت خدا مشغول باشد: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكمْ يَا بني‌آدم أَن لا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ». (یس / ۶۰ و ۶۱)

آثار عبودیت: نخستین اثر توحید عبودیت و بندگی، اطاعت است. اطاعت موحدانه و پیروی از دستورهای خدا در حقیقت عبادت پروردگار است، چنان‌که اطاعت از شیطان، عبادت اوست و پیروی از هوا و هوس، خودپرستی است. اطاعت از دستورهای معبود، شعار عبودیت است که باید در شئون زندگی ظاهر شود؛ زیرا مراد از عبودیت، اعتقاد به اصول توحید و قیام به ادای وظایف الهی است. اطاعت عین عبادت است و چون پرستش غیرخدا صحیح نیست، اطاعت غیر او نیز روا نیست، مگر به فرمان خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۸۲) از آنجا که اطاعت از رسول‌الله ﷺ و اولی الامر به دستور

خداست، خود گونه‌ای اطاعت از خداست: «مَن یطِعِ الرَّسولَ فَقَد اَطاعَ اللّه». مفسران ذیل آیه ۱۲۱ انعام اطاعت از دوستان شیطان را، شرک دانسته‌اند: «اِن اَطَعتُموهُم اِنَّکُم لَمُشرکون» (انعام / ۱۲۱) آورده‌اند که اطاعت به معنای قبول فرمان و به گردن نهادن قید عبودیت است و هرکس در دین خود از غیرخدا پیروی کند، مشرک است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۵۲) در تربیت اعتقادی قرآن ما به ازای نگرش توحیدی، رفتار توحیدی عبودیت پدیدار می‌شود که شاخصه‌های آن در رویکرد رفتاری تربیت اعتقادی در مرحله «اقدام» مورد بررسی قرار گرفته است.

باورهای موثر در شکل‌گیری رفتار عبودیت به ترتیب نزول[۱]

ردیف	باورهای مؤثر	آیات مرتبط	نوع تأثیر
۱	توحید در ربوبیت	علق (۵ ـ ۱)، قلم (۴۵ ـ ۲)، مزمل (۹)، مدثر (۷)، حمد (۲)، تکویر (۲۹)	آشنایی با نقش‌های پروردگار در حیات بشر
۲	توحید در عبودیت	علق (۱۰)، قلم (۵۲)، مزمل (۲۰ ـ ۲)، مدثر (۳)، حمد (۷ ـ ۴)، تکویر (۲۷)، اعلی (۱و ۱۵)، فجر (۲۸ و ۲۹)، عصر (۳)، کوثر (۲)، ماعون (۵)	تمرین دعا و استعانت از خدا برای تحصیل بندگی و عبودیت توحیدی
۳	توحید در معاد	علق (۸)، قلم (۴۵ ـ ۳۳)، مزمل (۱۴ ـ ۱۱)، مدثر (۳۰ ـ ۸)، حمد (۴)، مسد (۵ ـ ۱)، تکویر (۱۲ ـ ۱)	ایمان به قرآن و تعالیم آن و تداوم شکل‌گیری پذیرش معاد روز قیامت
۴	توحید در نعمت‌دهندگی و رزاقیت	قلم (۳۳ ـ ۱۷)، مدثر (۴۳ و ۴۴)، حمد (۶)، لیل (۵)، فجر (۱۹ ـ ۱۶)، ضحی (۱۱)، کوثر (۲)، تکاثر (۸)، ماعون (۷ ـ ۳)	ایمان به منعم حقیقی و سپاس و شکر از نعمت‌هایی که قابل شمارش نمی‌باشد.

رویکرد رفتاری تربیت اعتقادی در مرحله «اقدام» با تاکید بر عبودیت خاصه

از آنجا که اقدام به معنا جهد، کوشش و تلاش همراه با شجاعت و ثبات و پایداری در ایجاد، انجام و اجراء به موقع برنامه‌ها و فعالیت‌های عبادی است. شناخت اولویت اقدام، عناصر و عوامل اثرگذار بر اقدام، اقسام اقدام، مصادیق اقدام، روش‌های اقدام و آثار اقدام در تحقق عبودیت خاصه با توجه به محدوده تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است. مرحله اقدام، نخستین مرحله از الگوی قرآن در تحقق عملی «عبودیت» است. قرآن در سیر نزول، متربیان خود را دعوت به اقدام کرده است. البته این اقدام برپایه ایمان به باورهای قرآنی انجام می‌گیرد و مومن تحت تربیت رسول‌الله ﷺ مبادرت به اقدام می‌کند و فعالیت‌های خود را در دو حوزه خودسازی و دیگرسازی به ظهور می‌رساند.

۱. جدول فوق بر پایه محدوده پژوهش در بیست سوره اول مکی به ترتیب نزول تنظیم شده است.

اولویت اقدام: در تحقق عبودیت خاصه «ایمان به توحید افعالی» اولویت اول است. قرآن برای شکوفایی رابطه انسان با پروردگار و تنظیم روابط او با خالق، مالک و مدبرش به طرح نقش‌های پروردگار بر هستی، انسان و حیات او می‌پردازد و تا این نقش‌ها روشن نشود و انسان، مومن به نقش آفرینی پروردگار نشود، عبودیت و بندگی شکل نخواهد گرفت. پرستش و اطاعت، انتظار خدا از انسان است و این انتظار هنگامی توجیه‌پذیر است که نقش‌های موثر معبود بر زندگی عابد معلوم شود: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّک الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّک الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۵ ـ ۱)

عناصر و عوامل اثرگذار بر اقدام: توجه به بازگشت به سوی خدا: «إِنَّ إِلَي رَبِّک الرُّجْعَي» (علق / ۸) توجه به رؤیت خداوند: «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَي» (علق / ۱۴) توجه به آگاهی خدا: «وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قلم / ۷) توجه به تدبیرکنندگی خدا: «إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (قلم / ۴۵) توجه به رسول شاهد: «إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكمْ رَسُولًا شَاهِداً» (مزمل / ۱۵) توجه به حسابرسی اعمال و رفتار و حشر: «فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا» (مزمل / ۱۶) و توجه به فرشتگان موکل آتش (مدثر / ۳۱) ازجمله عناصر و عوامل مهم در چگونگی شکل‌گیری اقدام است؛ انسانی که به توحید افعالی ایمان آورده، رؤیت و آگاهی خدای متعال بر خود را در نظر گرفته و با ایمان به معاد و حشر و حسابرسی رفتار به گونه‌ای اقدام می‌کند که ثمره اقدام او تحقق عبودیت و بندگی خواهد بود، در غیر این صورت از زیانکاران محسوب می‌شود.

اقسام اقدام: اقدام یا در حوزه خودسازی فردی و یا در حوزه دیگرسازی اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد، ازجمله اموری که مومن مأمور به آنها در حوزه فردی (خودسازی) است، عبارتند از: توجه به اخلاص در اقدام، (حمد / ۴، توحید / ۴ ـ ۱) توجه به نماز، سجده، قیام لیل و دعا، (علق / ۱۱ ـ ۱۰؛ مزمل / ۲ ـ ۱؛ مدثر / ۳؛ اعلی / ۱۵ ـ ۱۴؛ کوثر / ۲) توجه به شکر (ضحی / ۱۱) توجه به صبر (قلم / ۴۸؛ مزمل / ۱۰؛ مدّثر / ۷؛ انشراح / ۱؛ عصر / ۳) توجه به تبتل و توکل (مزمل / ۹) توجه به توبه و استغفار (مزمل / ۲۰)؛ اما قسم اجتماعی «اقدام» در تحقق عبودیت خاصه شامل دعوت به تقوا (علق / ۱۲) توجه به تواضع و فروتنی در معاشرت‌ها و روابط اجتماعی (مدثر / ۶) توجه به حلم و بردباری (مزمل / ۱۰) و توجه به احسان و انفاق (قلم / ۲۴ ـ ۲۳؛ مزمل / ۲۰؛ مدثر / ۶؛ مدثر / ۴۵ ـ ۴۲؛ مسد / ۲ ـ ۱؛ اعلی / ۱۷ ـ ۱۶؛ لیل / ۱۱ ـ ۵؛ فجر / ۲۰ ـ ۱۶؛ ضحی / ۱۱ ـ ۸؛ تکاثر / ۱؛ ماعون / ۳ ـ ۱) و توجه به خوش‌رفتاری (قلم / ۴) است.

مصادیق اقدام: در بیست سوره نخست مکی به ترتیب نزول مصادیق اقدام به تعدد بیان شده است، که عبارتند از:

فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاه وَآتُوا الزَّكَاه وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ. (مزمل / ۲۰)

از این آیه استفاده می‌شود که تلاوت قرآن، برپایی نماز، پرداخت زکات، اعطاء قرض الحسنه، ایثار و استغفار از مصادیق اقدام عبادی و از شاخصه‌های عبودیت و بندگی است (ایزتسو، ۱۳۷۸: ۴۱۹) لکن در سوره عصر دو مصداق از مصادیق اقدام ذکر شده است، که عبارتند از: تواصی به حق و تواصی به صبر. با توجه به اینکه «الصالحات» در این سوره جمعی است که با «ال» ذکر شده است، دلالت بر استغراق و عمومیت می‌کند؛ یعنی شامل همه مصادیق اقدام برای تحقق عبودیت خاصه می‌شود. ذکر دو مصداق خاص از مصادیق اقدام پس از ذکر عام از حیث ادبی به این معناست که گوینده اهتمام و عنایت ویژه‌ای به موارد خاص داشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۶۱۰)

روش‌های اقدام: قرآن دو روش را برای اقدام ذکر کرده است. روش مؤمنانه وروش مشرکانه. هر اقدامی که با نیت خالص و از سر تقوا انجام گیرد، انسان را به خداوند نزدیک می‌کند و مورد قبول و پذیرش خداوند واقع می‌شود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده / ۲۷) قرآن، اقدام مقتضی که با انگیزه الهی و قصد قربت انجام شود را منتج به نتیجه می‌داند: «مَن عَملَ صالحا من ذَكرٍ أَوْ أُنثي و هو مؤمن فلنحيينّه حياه طيبه» (نحل / ۹۷) در روش مومنانه، نیت و انگیزه عمل مهم‌ترین رکن قبولی اعمال است، در روش مشرکانه تمامی ظرفیت «اقدام» مصروف برای جلب رضایت غیرخدا می‌شود.

آثار اقدام: هر کاری را نمی‌توان اقدام دانست؛ زیرا اقدام تنها به کارهایی اطلاق می‌شود که از روی قصد و اختیار انجام می‌گیرد، چنان‌که هر اقدامی را نمی‌توان صالح دانست؛ زیرا تنها اقدامی را صالح می‌توان شمرد که برپایه عقل سالم و فطرت خدادادی انجام گیرد و در مسیر کمالی آدمی که عبودیت الهی است نقش ایفا کند، چنان‌که هر اقدام صالحی، مورد رضایت و خشنودی خداوند نمی‌باشد؛ زیرا تنها اقدام صالحی مورد قبول و رضایت خداوند واقع می‌شود که دارای ویژگی‌هایی چون مطابقت کامل با حق، اخلاص، نیت صادقانه و مبتنی بر تقوا و خداترسی باشد و غیرخداوند در انجام آن عمل مورد نظر عامل نباشد. برای تصحیح و اصلاح اقدام صالح که دارای نوعی نقصان و فساد است، انسان باید مبنای عمل صالح خویش را نفس مطمئنه الهی؛ یعنی رسول‌الله ﷺ قرار دهد: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّه * ارْجِعِي إِلَي رَبِّک رَاضِيَه مَّرْضِيَّه * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» (فجر / ۲۹ ـ ۲۷) بسیاری از اقدام‌های صالح انسان از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نمی‌باشند؛ ازاین‌رو نمی‌تواند آدمی را به نهایت عبد مطلق؛ حضرت رسول‌الله ﷺ برساند. همان‌گونه که شمار انسان‌هایی که در اندیشه و انجام اقدام صالح باشند، اندک هستند، همچنین در میان انسان‌هایی که اقدام صالح انجام می‌دهند کمتر کسانی را می‌توان یافت که

اقدام صالح آنها موجب خشنودی و رضایت الهی را به طور کامل به‌دست آورد؛ زیرا بسیاری از اقدام‌های آنها به انگیزه‌های دیگری انجام می‌شود که از خلوص و وجه‌الله بودن آن می‌کاهد.

در بیست سوره اول مکی به ترتیب نزول برای تحقق عبودیت هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی و هم در روش مومنانه و هم روش مشرکانه، آثار قابل بررسی تحلیلی است و نتیجه بررسی‌ها ترسیم حوزه تربیتی «عبدالله» است. تربیت عبد مومن محوریت آثار اقدام است.

الف) آثار فردی «اقدام» در روش مؤمنانه

مومن با اقدام صالح، به تثبیت شخصیت ایمانی خود و نسل‌های پیش‌رو می‌پردازد. قرآن بر نقش شگرف اقدام صالح نه تنها در زندگی مومن بلکه در نسل‌های دیگر او تاکید دارد و اقدام صالح پدران را در سرنوشت فرزندان و نسل‌های آینده آنان تاثیرگذار می‌داند و نسبت به روش و منش عبادی یا غیر عبادی پدران و مادران در آسیب زدن به نسل‌های آینده تذکری هشدارآمیز می‌دهد؛ چراکه «اقدام» شخص به‌عنوان یک عامل مهم در زندگی خود او و همچنین نسل‌های آینده می‌تواند مایه رشد و بالندگی شود. یا موجب سقوط و تباهی خانواده‌ها گردد؛ زیرا همان‌گونه که اقدام صالح در نسل‌های آینده باقی و تاثیرگذار است، این امکان وجود دارد که اقدام زشت و بد نیز در نسل‌های آینده شخص همانند زندگی شخصی وی تاثیر منفی به‌جای گذارد. توجه به رفتارهای مومنانه همچون اقدام به نماز (مزمل / ۲، ۴ و ۲۰) «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكّي * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّي» (اعلی / ۱۵ ـ ۱۴)، انفاق، پرداخت زکات و قرض الحسنه، توبه و استغفار (مزمل / ۲۰؛ لیل / ۱۸ ـ ۵)، خوف از خدا و تقوا (اعلی / ۱۰)، نیکویی با حاجتمندان (ضحی / ۱۰)، نیکویی با یتیمان (ضحی / ۲؛ ماعون / ۲)، صبوری (قلم / ۴۸؛ مدثر / ۷؛ مزمل / ۱۰)، توکل بر خدا (مزمل / ۹)، شکرگذاری (ضحی / ۲)، اخلاص برای خدا (توحید / ۴ ـ ۱؛ لیل / ۲۰) و اجتناب از رفتارهای مشرکانه همچون تعدی و سرکشی (قلم / ۱۲)، بخل (قلم / ۱۲؛ مدثر / ۴۴؛ فجر / ۱۷ ـ ۱۸؛ لیل / ۸؛ ماعون / ۷)، کینه‌ورزی (قلم / ۴۸)، حسد و ریا (فلق / ۵، ماعون / ۶)، منت‌گذاری (مدثر / ۶)، مال حرام (قلم / ۱۲)، جادوگری (فلق / ۴) و قتل فرزند (تکویر / ۸) موجب افزایش حس نیاز به پروردگار و پذیرش او به‌عنوان شایسته‌ترین صاحب اختیاری که حق تدبیر امور انسان را دارد و تحصیل راه تسلیم و اطاعت شده و سبب پیدایش ظرفیت برای پذیرش قرآن و تلاوت آن برای بندگی و غفلت‌زدایی و بیدارسازی و افزایش ایمان به حضور و نظارت الهی می‌شود. مرحله اقدام صالح در هر درجه‌ای از خلوص باشد، آثار و کارکردهایی در زندگی بشر در دنیا و آخرت به‌جای می‌گذارد.

ب) آثار اجتماعی «اقدام» در روش مومنانه

توجه به رفتارهای مؤمنانه همچون روی‌گرداندان از جاهلان (مزمل / ۱۰؛ مدثر / ۵)، مرزبندی اعتقادی با کافران (کافرون / ۶ ـ ۱)، پایداری در ایمان (تکویر / ۲۸) امر به معروف و نهی از منکر (علق / ۱۲؛ مدثر / ۲؛ اعلی / ۱۰ ـ ۹؛ فجر / ۱۸؛ عصر ۳ ـ ۱) هجرت در راه خدا (۱۹ ـ ۱۰) جهاد مالی و نظامی: «وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فضل‌الله وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مزمل / ۲۰) و اجتناب از رفتارهای مشرکانه همچون بازداشتن مردم از راه خدا (علق / ۱۰ ـ ۹) موجب اعتدال در جامعه ایمانی و حفاظت از آلودگی ایمان‌سوز و نجات‌بخشی از شدائد و سختی‌ها می‌شود. خداوند به سبب اقدام در تحقق عملی عبودیت خاصه به مومنان ظرفیت کسب حاکمیت و تمکن و استقرار دین در جامعه و پدید آمدن امنیت را اعطاء نمود. (فیل / ۵ ـ ۱؛ قریش / ۴ ـ ۱؛ فلق / ۵ ـ ۱)

ج) آثار فردی «اقدام» در روش مشرکانه

فرهنگ و تفکری که در مقابل قرآن و رسول‌الله ﷺ قرار می‌گیرد از الگوی قرآن مدل‌پذیری می‌کنند. در مرحله اقدام، برنامه‌ها و فعالیت‌های مشرکانه خود را علنی می‌کند. آیات قرآن به ترتیب نزول، نگرش و رفتار مشرکان در حوزه فردی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى» (علق / ۹) نهی از عبودیت و بندگی خدا نخستین بارزه نگرشی و رفتاری سران کفر است: «أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (علق / ۱۳) تکذیب و تخطئه عبودیت الهی دومین بارزه نگرشی و رفتاری سران کفر است. گروه آیات سوره قلم دلالت بر جنگ روانی سران کفر علیه مربی و مبلغ توحید عبادی دارد: «مَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»، (قلم / ۲)، «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ * وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ * هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ * مَنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ * عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ» (قلم / ۱۳ ـ ۸) این آیات افزون بر ترسیم شخصیت «عبد الشیطان» نمایان‌گر بارزه‌های نگرشی و رفتاری سران کفر در مقابله با فرهنگ، معارف و سبک زندگی عبادی است: «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ» (مزمل / ۱۶) این آیه بر عصیان و طغیان فرعونی جبهه کفر بر علیه عبودیت و بندگی خداست: «إِنَّهُ فَكَرَ وَقَدَّرَ * فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ * ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ * فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ * إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر / ۲۵ ـ ۱۸) این مجموعه آیات روایت‌گر اقدام‌های سران کفر علیه توحید عبادی و نگرش و رفتارهای منبعث از آن است. قرآن کریم، اقدام به تعدی و سرکشی (قلم / ۱۲)، بخل

(قلم / ۱۲؛ مدثر / ۴۴؛ فجر / ۱۷ ـ ۱۸؛ لیل / ۸؛ ماعون / ۷)، امساک و بد خلقی با حاجتمندان و مساکین (مدثر / ۴۲؛ فجر / ۱۸)، بد رفتاری با یتیمان (فجر / ۱۷؛ ماعون / ۲)، کینه‌ورزی (قلم / ۴۸)، حسد و ریا (فلق / ۵؛ ماعون / ۶)، منت‌گذاری (مدثر / ۶)، خوردن مال حرام (قلم / ۱۲)، سحر و جادوگری (فلق / ۴) و قتل فرزند (تکویر / ۸) را از زمره رفتارهای مشرکانه‌ای می‌داند که به خاطر نبود ایمان به توحید افعالی و عبادی، صورت و باطن اقدام تماما شیطانی و مخالف با عبودیت و بندگی خدا است. همین امور که از سوی افراد اقدام شده آثار اجتماعی نیز دارد و رویکرد جامعه غیر توحیدی بر این اقدام‌ها شکل می‌گیرد.

د) آثار اجتماعی «اقدام» در روش مشرکانه

قرآن تفاوت نگرش و رفتار اجتماعی اقدام «عبدالله» با «عبد الشیطان» را در قصه «صاحبان باغ» (قلم / ۳۱ ـ ۱۷) ترسیم می‌کند. قرآن، «اقدام» صاحبان باغ برای چینش میوه‌ها در دل شب را، نپرداختن به محرومان و مساکین می‌داند: «أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكم مِّسْكِينٌ» (قلم / ۲۴) و دلیل این اقدام را نبود روحیه عبودیت و بندگی خدا می‌داند: «قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ»؛ (قلم / ۲۸) فردی از صاحبان باغ گفت آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی‌ستایید و او را عبادت نمی‌کنید. قرآن با بررسی و تحلیل رفتارهای مشرکانه در شیوه تربیتی پرسشگری و پاسخ‌گویی به طرح اعتراف مشرکان در مقابله با عبودیت و بندگی خدا می‌پردازد و اقدام‌های آنان را در نپرداختن به آنچه عنوان عبودیت و بندگی خدا داشته مطرح می‌کند: «عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَككمْ فِي سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَک مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَک نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وكنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وكنَّا نُكذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّي أَتَانَا الْيَقِينُ» (مدثر / ۴۷ ـ ۴۱) قرآن رویکرد این مستکبران در برابر دعوت به عبودیت و بندگی خدا را نیز توصیف کرده است: «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَه مُعْرِضِينَ * كأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَه * فَرَّتْ مِن قَسْوَرَه» (مدثر / ۵۱ ـ ۴۹) قرآن در سوره حمد این مستکبران را در زمره گمراهان، منحرفان و مغضوبان درگاه الهی معرفی می‌کند «غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ» (حمد / ۷) در این سیر، قرآن به ذکر اقدام‌های مشرکانه و آثار اجتماعی آنها می‌پردازد: «كلَّا بَل لَّا تُكرِمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَي طَعَامِ الْمِسْكِينِ * وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكلًا لَّمًّا * وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر / ۲۰ ـ ۱۷) جبهه شرک با حب به دنیا سراسر بر اتراف، ویژه‌خواری، تکاثر مال و ثروت اقدام می‌کند و محرومان و مستضعفان را مزاحم نگرش و رفتار خود می‌داند و سعی می‌کند تا مانند «صاحبان باغ» در سوره قلم عمل نماید.

نمودار الگوی قرآن در شکل‌گیری و تحقق عملی عبودیت

نتیجه

دستاوردهای این پژوهش را می‌توان در امور ذیل دانست:

۱. نتیجه رویکرد نگرشی تربیت اعتقادی در مرحله اقدام، آشنایی و معرفت بر نقش‌های پروردگار در توحید افعالی و ایمان و تعهد به پیام مشترک تمام انبیاء در توحید عبودیت و بندگی خدا که مهم‌ترین باب درگیری پیامبران با طواغیت در همین زمینه بوده و نفی اطاعت و بندگی غیرخدا می‌باشد تا موجب یگانه‌شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفی هرگونه پرستش قلبی از قبیل«هواپرستی، جاه‌طلبی، پول‌پرستی و غیره» و در حوزه اجتماعی، به یگانه‌شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی خدا از طریق «نفی طاغوت‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها» بیانجامد.

۲. نتیجه رویکرد رفتاری تربیت اعتقادی در مرحله اقدام به‌کارگیری تقوا؛ در «اقدام» به مبارزه با کفر و شرک، اخلاص، در «اقدام» به مبارزه با شرک و ریا، نماز، سجده، قیام لیل و دعا؛ در «اقدام» به مبارزه با کفر و ناسپاسی، شکر؛ در «اقدام» به مبارزه با منعمان دروغی و کافران نعمات الهی، تبتل و توکل؛ در «اقدام» به مبارزه با اتکاء و استعانت از غیر، توبه؛ در «اقدام» به مبارزه با یأس، ناامیدی، سرخوردگی و

بی‌هویتی، تواضع؛ در «اقدام» به مبارزه با تکبر، فخرفروشی، نخوت و برتری‌طلبی، حلم؛ در « اقدام» به مبارزه با رفتارهای جاهلانه و سخنان نابخردانه، احسان و انفاق؛ در «اقدام» به مبارزه با بخل، خست، تنگ نظری و اسراف و ویژه‌خواری، و خوش‌رفتاری؛ در «اقدام» به مبارزه جدی با تندخویی، درشتی در کلام و کردار، کینه‌ورزی، بدرفتاری، بدسلوکی، خوش‌خرامی و خوش‌سودایی است.

۳. قرآن نمونه‌های متعدد از خودسازی و دیگرسازی و رشد خانوادگی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی را برپایه مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» از سبک زندگی و فعالیت‌های تبلیغی و تربیتی انبیاء مرسل و سیره خاتم رسل و عباد ممتحن در سیر نزول الگودهی و فرهنگ‌سازی کرده تا تحقق عینی و عملی آن در عصر حاضر و عصرهای پیش‌رو را میسور نماید.

۴. با بررسی تحلیلی الگوی قرآن در تحقق عملی عبودیت در سیر نزول و کارکردها و کاربست‌های آن در مرحله اقدام معلوم گردید که این مرحله در تحقق عملی عبودیت پایه و اصلی‌ترین مرحله‌ای است که موجب فردسازی، دیگرسازی و خانواده‌سازی می‌شود که اگر این پایه در تحقق عملی عبودیت جدی گرفته نشود عملاً جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اتفاق نخواهد افتاد.

۵. جایگاه «رسول‌الله ﷺ» در تحقق عملی عبودیت جایگاه مربی در مرحله اقدام است رسول‌الله ﷺ که همه عبودیت‌ها بر محور ایشان می‌چرخد، عبدالله حقیقی است و طواغیت که همه منکرات بر مدار آنها می‌چرخد و افکار الحادی و مشرکانه و رفتار جاهلانه و دنیاپرستانه را ترویج می‌دهند، عبدالشیطان هستند آیات قرآن در سیر نزول به درگیری مروجان عبودیت الهی با طواغیت پرداخته است، این درگیری هم در عصر حاضر و پیش‌رو وجود دارد و باید با همان منطق قرآن به حمایت جدی و پشتیبانی از تابعان رسول‌الله ﷺ و عترت طاهرین او ـ که در مقام مربیگری و راهبری جامعه هستند ـ پرداخت.

۶. آثار فردی و اجتماعی «اقدام» در دو رویکرد مؤمنانه و مشرکانه تبیین‌گر تفاوت نگرش و رفتار «عبدالله» با «عبد الشیطان» است.

منابع و مآخذ

ـ ***قرآن کریم***.

ـ ***نهج‌البلاغه***، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

ـ آلوسی، سید محمود، ۱٤۱٥ ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱٤۱۹ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، مکه، مکتب نزار مصطفی الباز.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱٤۱۹ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱٤۱٤، ***لسان العرب***، بیروت، دارالفکر.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، ***مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید***، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فروزان.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۰، ***تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول***، قم، سبط النبی ﷺ.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱٤۱۸ ق، ***جواهر الحسان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حرانی حسن بن علی بن شعبه، ۱٤۰٤ ق، ***تحف العقول عن آل‌الرسول*** ﷺ، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱٤۱٤، ***تاج العروس***، بیروت، دار الفکر.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد احمد، ۱۳٦٤، ***تفسیر اثنی‌عشری***، تهران، میقات.
- حلی، یحیی بن سعید، ۱۳۸۷، ***نزهة الناظر وتنبیة الخاطر***، قم، میثم تمار.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱٤۱٥ ق، ***تفسیر نور الثقلین***، قم، اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۹، ***صحیفه نور***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشرآثار امام خمینی قدس سره.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱٤۲۰ ق، ***مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ۱۴۱۲ ق، ***المفردات فی غریب القرآن***، بیروت، دار العلم.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱٤۰۷ ق، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (عیون الاقاویل فی وجوه التأویل)***، بیروت، دار الکتاب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱٤۱٤ ق، ***الاتقان فی علوم القرآن***، قم، بیدار.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، ۱٤۰۹ ق، ***مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار***، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱٤۱۲ ق، ***فتح القدیر***، بیروت، دار المعرفه.
- صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، ۱۳٦۰، ***تفسیر القرآن الکریم***، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدوق، محمد بن علی، ۱٤۰٤ ق، ***التوحید***، بیروت، دار الکتب الاسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی، ۱٤۰٤ ق، ***عیون اخبار الرضا*** علیه السلام، بیروت، دارالثقافة.
- صفی‌پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، ۱۳۹۷، ***منتهی الارب فی لغات العرب***، تهران، مکتب المرتضویه.

ـ طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ـ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ***مجمع البیان لعلوم القرآن***، تهران، ناصرخسرو.

ـ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، ***مجمع البحرین***، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

ـ طوسی، محمد بن حسن، ١٤١٤ ق، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار الثقافة.

ـ طوسی، محمد بن حسن، ١٤١٤ ق، ***امالی***، بیروت، دار الثقافة.

ـ عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۳۷۰، ***مصاحبه با مجله آیینه پژوهش***، سال اول، ش ۵.

ـ فضل‌الله، سید محمدحسین، ١٤٠٥ ق، ***تفسیر من وحی القرآن***، بیروت، دار الزهراء.

ـ فیض کاشانی، محمدمحسن، ١٤١٥ ق، ***تفسیر الصافی***، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

ـ قمی مشهدی، میرزامحمد، ١٤٠٧ ق، ***تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ـ کاشانی، فتح‌الله، ١٣٤٤، ***منهج الصادقین فی الزام المخالفین***، تهران، اسلامیة.

ـ کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ۱۴۰۷ ق، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

ـ مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٣ ق، ***بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الإطهار***ﷺ، بیروت، موسسة الوفاء.

ـ مطهری، مرتضی، ١٣٧٦، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا.

ـ معرفت، محمدهادی، ١٤١٥ ق، ***التمهید فی علوم القرآن***، قم، التمهید.

ـ نراقی، احمد، ۱۳۸۳، ***معراج السعادة***، تهران، جاویدان.

ـ نکونام، جعفر، ۱۳۸۰، ***درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن***، تهران، هستی‌نما.

ـ نوری، میرزاحسین، ١٤٠٨ ق، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، بیروت، موسسة آل‌البیتﷺ.